

درباره برخی مسائل

ایجاد جامعه نوین در کشور ما

ما مارکسیستهای ایرانی می‌کشیم بر اساس تعالیم کلاسیکهای مارکسیستی جامعه نوین مبری از استعمار و استعمار، مبری از فقر مادی و معنوی، عاری از طبقات متناقض، بهره‌ور از استقلال سیاسی و اقتصادی و مبتنی بر دموکراسی سیاسی و اقتصادی در ایران برپای داریم. این کاری است شریف و عالی ولی صعب و پخش‌رنج. سادگی بسیار می‌خواهد از کسی تصور کند احکام مندرجه در کتابها یا تقلید تجارب دیگران برای حل این معضل کافی است:

آری آگاهی درست و جامع از تئوری، مطالعه همه جانبه و دقیق تجارب دیگران شرایط ضروری داشتن دید درست در امر ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی در کشور ما است. ولی این دو شرط از شرایط لازم است و هنوز کافی نیست.

باین دو شرط لازم باید دو شرط دیگر افزود:

- (۱) شناخت علمی تاریخ کشور به‌ویژه تاریخ جنبشهای اجتماعی و درک علل کامروائی یا ناکامی آنها به‌ویژه شناخت علمی جنبشهای نیم قرن اخیر ایران و درک ماهیت و علل کامروائی یا ناکامی و تجارب مثبت و منفی آنها و از آنجمله بررسی دقیق جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش توده ای ایران و جمع‌بست تجارب این جنبش. یکی از معایب مهم کارماد را آغاز جنبش توده ای این بود که بدون توجه باین مختصات، بدون اجرا این بررسی کار را تقریباً از زمینه تهی آغاز کردیم و لذا بسیاری از اشتباهات رخ داد. ما مکرر ساختیم. بسیاری از گروهها و سازمانهای تحول‌طلب دیگر نیز با همین بی‌اعتنائی به تجارب جهانی و ایران عمل کرده اند و عمل میکنند؛
- (۲) شناخت درست جامعه معاصر و ارزیابی صحیح آن و مبتنی کردن استراتژی و تاکتیک حزب، اشکال سازمان و مبارزه حزبی بر اساس این شناخت. تجربه نشان داده است که محیط عقب ماند و بطور عمد خرد و پوزروائی کشور ما بطرز تفکر و عمل ذهنی ماند بود و آلمستی و ولونتاریستی فوق العاده میداند. این طرز تفکر و عمل ذهنی (که باوقعیات عینی بی

اعتناست)، اندر بود و آلیمتی (که از گذشته در مقابل مصالح اجتماع تن میزد و خواستها و حسابهای خود را محروم قضاوت و عمل میسازد)، و ولایتاریستی (که میخواهد بهدفعه بر اساس استیلا و خونسردی آنه از امکانات عینی بلکه بر اساس احساسات، شعارها، خواستهای شتابکارانه، قهرمان منشی، لاف و کرافد منست یابد) بله عده هر نهضت انقلابی و از جمله نهضت انقلابی در کشور ما است.

این طرز تفکر و عمل مانع نیست که سازمان حزبی نضج یابد و محکم شود زیرا افراد اثنا به تفرقه محکوم میکند، مانع آنست که سازمان حزبی خونسردی عمل کند زیرا اثنا به چپ و راست میراند. تجارب فراوان نشان میدهد که در شرایط تسلط این طرز تفکر و عمل حزب طبقه کارگر با صرف اثرنهای عظیم به نتایج بسیار کم میرسد یعنی سطح کارائی مبارزه بسیار نازل است.

رشد سریع طبقه کارگر و روشنفکران معاصر، رشد قوای مولد و تاثر عمیق معنوی مبارزات اجتماعی در مدهم محیط اجتماعی را برای یک مبارزه واقعی مساعدتر میسازد و ریشه های طرز تفکر و عمل ذهنی-انفرادی - ولایتاریستی را در مدهم بیشتر مشخص میکند. ولی نباید تصور کرد که این پروسه سریع است. هر مبارزی باید خود را برای دشواریهای گاه روانسوز ناشی از چنین محیطی آماده سازد. هیچ چیز از نحوه و تدبیر، از ابراز بهت و حیرت در مقابل رنجها و عجاب ناشی از چنین محیطی غنیمت نیست. برای نسل ما مبارزان محیط عمل کمی مساعد تر از نسل گذشته بود ولی هنوز بهیچوجه مورد غبطه نیست. شاید یکی از افتخارات مانع در این باشد که در چنین محیط دشواری مبارزه کرده ایم و میکنیم. نبرد دشوار است که موجب افتخار است.

جامعه نوین دموکراتیک و سپس سوسیالیستی را در کشور ما باید با بررسی تجربه خود دیگران و بنا انطباقی تئوریکها و تجربه ها بر شرایط ویژه محیط اجتماعی ایران ساخت. تقلید، شتاب، الگوسازی، صدور فرمانهای ناسنجید و عواقب شوم و ندامت های تلخ بسیار خواهد آورد. باید در خطاب بدان نیکبختانی که وظیفه ساختن جامعه نوین دموکراتیک و سپس سوسیالیستی در ایران بهره آنان خواهد بود گفت: بدوستان ما، با نسیج بخرنج جامعه که بیارتب ساختمان آن از مغز انسانی پیچیده تر است خود سرانه بازی نکنید، بافت و ساخت موجود را در این یا آن عرصه فقط زمانی ترک نکنید که با وقت و حوصله و وسواس شرایط عینی و ذهنی چنین ترکوفی را از پیش و در طول مدت آماده کرده اید. هر گاه می ربا نهایت سنجشی بردارید. وسیعاً نظریات، نقشه ها، احکام، روشها را مورد بررسی جمع و جامعه قرار دهید و فقط زمانیکه وجداننا باین نتیجه رسیدید که تمام دقتهای لازم شده است وارد مرحله اجرا بشوید.

پس از آنکه پرولتاریا متحدین وی و در یک کلمه نیروهای انقلابی جامعه تسلط سیاسی و دولتی خود را برقرار ساختند باید این پند لنین را از یاد نبرد که گفت: نقش اعمال قهرمندان وسیله عده حل معضل در اینجا خاسته می یابد و سپس نقش تأثیر اقتصاد، روشهای تجدید تربیت و انتفاع، محاصره طولانی عناصر کهن، و ایجاد پروسه های پرحوصله عناصر نوین است که بوظیفه عده بدل میشود.

در اینجا هیچ الگوی از پیش آماده ای وجود ندارد. آهنگ سیر بطرف ساختمان مؤسسات سوسیالیستی در ده و شهر، تحول سوسیالیستی صنعت و بازرگانی و ارتباط و خدمات و کشاورزی، اجراء انقلاب فرهنگی در علم، فن، هنر، عادات و آداب، ذوقها و سلیقه ها و غیره و غیره میتواند گاه تدبیر باشد گاه کند. شکل تحول میتواند با شکل تحول در کشورهای دیگر (البته در عین حفظ شباهت ماهیت و مضمون) فرق کند. لنین تصریح میکند که آهنگ تکامل و شکل سازمانها و نوع دموکراسی در هر کشوری که بسوی سوسیالیسم می رود تابع ویژگیهای مشخص آن کشور است.

البته حل خلاق و اصولی این معضل کار آسانی نیست.

ضامن یک حلد درست وجود حزبی کاملاً پیوسته مجرد م بارهبری جمعی و باشیوه علمی رهبری و مبارزه است. عصریشوایان منفرد گذشته است. کسی ذیحق نیست روح خود را مبهبط الهامات و فرود گاه حقایق جاوید بداند. نباید به کیش پیشوایان راه داد. این نشانه بردگی معنوی است. در عین حال نباید ضرورت

اوتوریته های واقعی را در عرصه های مختلف حسزب و دولت منکرشد زیرا اوتوریته یکی از عناصر حتمی هر نوع شکل اجتماعی امروز در آینده های قابل دید است. آری شاید زمانی برسد که جامعه انسانی از احاد همسنگ و همسطح تشکیل گردد و ولی چنین زمانی هنوز در آسوی کوهسار قرون و اعصار است.

یکی از شوارترین مسائل ساختمان جامعه نوین حل مسئله سائترالیسم د موکراتیک در عرصه سازمانها سیاسی و اقتصادی است. تنیدی نیست که در آغاز تحولات انقلابی بویژه در جوامع عقب مانده سائترالیسم د ارای وزن خاصی است، سائترالیسم عده است. این ضرورت عینی تحکیم سائترالیسم همیشه خطی بر روی کار تیزه شدن حزب و دولت انقلابی، خطر اعتلا پیشوایان مستبد، خطر فرمالیزه و صوری شدن د موکراتیک، خطر از میان رفتن ابتکار و بروز اراده آزادانه زحمتکشان را بوجود می آورد ولی برخلاف عده دشمنان کمونیسم که این خطر را حتی الوقوع فاتال میدانند، این خطر قابل پیشگیری است. اگر حزب و جامعه بیدار باشد و نگذارد که از تحکیم منطقی و ضروری سائترالیسم تاحد احمای باصوری شدن د موکراسی در درون حزب، دولت و جامعه سوءاستفاده نشود، کاملاً میتوان از این خطر جلوگیری کرد.

آری هرگز نباید اجازه داد که د موکراسی درون حزبی و د موکراسی سوسیالیستی بمعنای جدی کلمه - ولو در آن دروانی که باید محدود باشد - از میان برود. این یکی از بزرگترین تجارب ساختمان جامعه نوین است. پیشوایان مستبد که به اندیشه سوسیالیسم علمی وفادارند مسلمانان راه ساختمان سوسیالیسم کامیابی بر میدارند. شاید گاه آهنگ عمل آنها در این پان عرصه محدود سعتراست ولی تجارب نشان داده است که مضرات ناشی از طرز عمل این نوع پیشوایان نفوادمیچرید و نحوه عمل آنها نه فقط بدبختیها بلکه عواقبی بیماری آورد که چاره آن د شواراست. بزرگترین و شومترین این عواقب بروز کراتیزاسیون، از میان رفتن شهر و اعتماد و هیجان انقلابی، فروکش سطح ابتکار عمومی و لذا پیدایش ناهنجاری در رشد جامعه است. یکی دیگر از مسائل ایجاد جامعه نوین عبارتست از طول مدت مرحله د موکراتیک انقلاب و آهنگ فرارویاندن انقلاب د موکراتیک به سوسیالیستی. ظاهراً احزاب و دولتهای انقلابی پس از استقرار تسلط خود بی میل نیستند هرچه زودتر پایه های اقتصادی و اجتماعی استثمارگران را منهدم سازند تاخطر ضد انقلاب و احیای سرمایه داری از میان برود، نقشه ها جامعتر و شامل تر تنظیم گردد، کنترل دولت انقلابی بر سراپای جامعه تحقق پذیرد و غیره. مسلماً طبقات ضد انقلابی بیکار نمی نشینند و انقلابیون فاتح را بسوی واکنشهای شدید و شتابکارانه میرانند.

لذا گفتن آنکه باید تحولات د موکراتیک جامعه باحیله انجام گردد و ایجاد موسسات سوسیالیستی در اقتصاد و فرهنگ باید با تدارک و سرصبر صورت پذیرد در گفتار آسان، در کردار دشوار است. از انطرف شتابزدگی مایه بی اندام شدن (destructurisé) جامعه، پیدایش کمبود مژمن محصولات، کم خوشی مغرط اقتصادی، نارضايتها و غیره است که خود به تحول نامالمد در حزب انقلابی و شیوه رهبری آن می انجامد. چه باید کرد؟

مسلماً باید حرکت طبق مراحل، با تدارک منظم و قبلی شرایط انتقال از مرحله ای بمرحله دیگر مراعات گردد و مجدوب سیاست اجتماعی کردن ولونتاریستی و اجراء جنبشهای ناسنجیده نشود، در عین آنکه باید توانست از ذخیره های بپروسه اجتماعی بحد اعلا برای تسریع معقول تکامل جامعه استفاده کرد. این امر بسته است بنوع حزب و رهبری آن، درجه کنترل افراد حزبی و افراد جامعه از رهبران. سرانجام نکته مهمی را که شاید در این بحث مهمترین نکته است مطرح کنیم:

تجربه انقلابیات عصرمانشان داده است که بویژه پس از پیروزی انقلاب ظهور هر خود در مسوود ساختمان جامعه نوین امریست احترازا پذیر.

یکی از این برخوردارها جنبه انسانی د موکراتیک تکمیل میکند، خواستار حرکت تدریجی و کامیگام است. نپخواهد سعادت نسل اکنون را تا ماند ای نسل آینده کند، بپروسه تکامل رانی تازاند.

برخورد دیگر جنبه انقلابی تکیه میکند، خواستار حرکت سریع و جهشی است، جامعه را باند آکاری و قربانی فرامیخواند، برای اینکار رضای هیچانان ویژه طبقاتی و مبنی بوجود می آورد، پیروسه تکامل را بسا اقدامات سیاسی و سازمانی می تازاند.

برخورد اول است لال میکند که سوسیالیسم باید به کسانی که آنرا پیروز کرده اند و بکسانی که از آن توقع تراوان دارند هرچه زودتر چهره سعادت بخش خود را نشان دهد. است لال میکنند که جهان بینی ما شیوه های غیر انسانی را رد میکند.

برخورد دوم است لال میکند که سوسیالیسم باید پیوسته کسانی که آنرا پیروز کرده اند هرچه زودتر نیرو مند و استوار شود و خود را از هر حادثه ای و گزندی تضمین کند. است لال میکنند که علاقه بکارائی اسلحهها برای دوران معین ما را باید از پرواهای اخلاقی دور نگاه دارد.

معمولاً رکشورهای عقب مانده که مسائل حل نشده بسیار است، افکار عمومی برای درک بفرنجی حوالت باند ازه کافی مجرب نیست، پیشوایان ولنتاریست (در صورتیکه رهبران و سازماندهان ماهری باشند) میتوانند شی خود را پیش ببرند و حامیان شی مخالف خود را منفر د کنند و اگر باند ازه کافی سخت گیر باشند / معمولاً چند / آنها را تسرح ناپدی جسمی ببرند.

این چرخش وضع را باید از هم اکنون در نظر داشت.

روش درستی در یافتن تناسب صحیح بین آگاهانه و خود بخودی، بین تسریع و تسخیر پیروسه است و میتوان شی انقلابی کارائی تنظیم کرد که نکات صحیح دوشی متقابل را در برگیرد و از اغراقها، غلوهها و انحرافهای هرد و جلوگیری کند. این کاملاً ممکن است. برای اینکار رهبرائی لازمند از مکتب لنین که نیروی شگرف انقلابی و انسانی، ارادی و عقلی و عاطفی را در توازی غبطه انگیز با خود همراه داشته باشند.

انقلابیون نرم، باند ازه زانگ انسانی و محتاط از سوشی و انقلابیون سخت، بیش از حد لازم خشن و بی باک از سوی دیگر کار را به فاجعه خواهند کشاند. چه اند ازه لازم است حزبی بیدار و بصیر باشد تا بموقع از بسته شدن نطفه فاجعه ها جلوگیری کند، چه اند ازه باید حزبی خوشبخت باشد اگر بتواند بموقع جمع رهبران شایسته خود را که بین دیاکتیک تاریخ زمان آنها و استعداد های روحیشان تناسب لازم برقرار است بوجود آورد. این خود از اهم مسائل و از غامض ترین آنهاست که گاه حل آن در دسترس قرارند.

برای احتراز از پند اربابی و طرح مسائلی، مربوط به آینده کمابیش دور برای کشور ماست ما از ورود در بسیاری مباحث مشخص مربوط بساختن نظام دموکراتیک و سهمی سوسیالیستی در ایران عاقد صرف نظر میکنیم. روشن نیست که حزب طراز نین طبقه کارگر این نظامات را همراه د دیگر احزاب دموکراتیک خواهد ساخت و یا خود معمار منحصر خواهد بود. بدون شک پرولتاریا پیوسته حاضر بود است و حاضر است که باخورد، بیروزی انقلابی را ایجاد نظامات نین دموکراتیک و سوسیالیستی همکاری کند و برای وی سهم و جای شایسته اش را در این نوسازی اجتماعی قائل است و نیز روشن نیست که بیروزی خلق در ایران در درون چه تناسب قوای جهانی و در کدام محیط سیاسی و در چه حدی از دستاوردهای علمی و فنی و چه مرحله ای از تکامل اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران انجام خواهد گرفت. همه اینها توجع عظیمی از اشکال پدید می آورد که حل آنها وظیفه کسانی است که بهلا واسطه رسالت این حل را بر عهد د دارند. سخن ما در اینجا بهمان مثنی آرزوهاست که به بیشتر از نسج جامعه و تاریخ زمان ما برخاسته است.